

گفتگوی شوک آور با شوهر شلیبر رسولی :

همه خواهان اعدام گوران در مریوان هستند



پسرم ۱۷ ساله است و دخترم ۱۱ ساله. وقتی شلیبر افتاد، هر دوی آنها داخل کوچه بودند و با گریه و فریاد کمک می خواستند. مادرشان درست مقابل چشمان آنها سقوط کرد و به خیابان افتاد. بیپوش شند و چند دقیقه طول کشید که آمبولانس آمد و او را به بیمارستان برد. (با گریه) دخترم از آن شش به بعد حالش خوب نشده، او را چندبار به بیمارستان بردیم و سرم وصل کرد اما هنوز در شوک است و گاهی وقت ها تشنج می کند. وضعیت پسرم هم خیلی خوب نیست. شلیبر برای حفظ ناموس من جانم را از دست داد و همین مسئله دارد عذاب من دهد. نمی دانم چه کار کنم. نمی دانم به چه هیم چه بگویم. معلوم نیست آینده مان چه می شود و از این به بعد باید چطور زندگی کنیم.

چند سال از دواج شما و شلیبر می گذشت؟

ما ۲۱ سال پیش از دواج کردیم. فامیل بودیم. شلیبر دختر دایی مادرم بود. عاشق هم بودیم. آن زمان در روستای چشمپدر سر و آباد زندگی می کردیم. بعد از ازدواجمان راهی تهران شدیم. ۳-۴ سال آنجا بودیم. من کارگری می کردم و زندگی آرامی داشتیم تا اینکه تصمیم گرفتیم به کردستان برگردیم. برای ادامه زندگی به مریوان رفتیم و در این مدت آنجا زندگی می کردیم که این اتفاق افتاد.

درباره گوران بگویید. چقدر او را می شناختید؟

او همسایه رویه رویی ما بود اما مگر همسایه با همسایه چنین کاری می کند. حالا فهمیده ام که او باش بوده و سابقه کفیری هم داشته است. شاید باور نکند اما روز بعد از این حادثه مردم مریوان که از این ماجرا عصبانی شده بودند به خانه گوران حمله کردند. شیشه همان پنجره ای

گوران رفتند اما پس از اینکه همسرش وارد شد و از پله ها بالا رفت تا خودش را به همسر گوران برساند، مرد شیطان صفت پسرم را به سمت کوچه هل داد و در خانه را بنست و پشت سر شلیبر پله ها را بالا رفت. پسرم کاملاً گیج شده بود. برای همین شروع کرده بود به کوبیدن در. اما در این مدت همسرش بی خبر از اینکه گوران چه نقشه شومی در سر دارد، وارد خانه گوران شده بود و مرد شیطان صفت نیز پشت سرش وارد خانه شده و در را قفل کرده بود. پس از آن شلیبر که متوجه شده بود از همسر گوران خبری نیست و خواسته بود که آنجا را ترک کند، مرد شیطان صفت اسلحه ای در آورده و شروع به تهدید او کرده بود. شلیبر با دیدن این صحنه به سمت پنجره دویده و آن را باز کرد و با سر و صدا درخواست کمک کرده بود. پسرم همچنان داخل کوچه بود و به در می کوبید تا شاید بتواند آن را باز کند. سر و صدای او و همسرش باعث شده بود که تعدادی از همسایه ها از خانه هایشان خارج شوند اما کاری از دست کسی ساخته نبود. شلیبر خودش را به لب پنجره رسانده بود و همچنان کمک می خواست. همسایه ها با فریاد از او می خواستند که خودش را پایین نیندازد. آنها می گفتند که پلیس الان می رسد و کسی جرأت نمی کرد در خانه گوران را بشکند و وارد آنجا شود. چون او اسلحه داشت و بعد هم همسایه ها دیدند که ناگهان شلیبر از پنجره به پایین سقوط کرد. آنها می گویند که در لحظه آخر گوران با او درگیر شده و در این درگیری شلیبر به پایین سقوط کرده بود.

فرزندان تا شاهد این حادثه بودند؟

ما هم به مدت چند روز رفتیم اما حدوداً از ۲ ماه قبل از حادثه بیکار بودم و تامین مخارج زندگی برابم سخت شده بود. این بود که به همراه برادر خنم به عراق رفتم که چند روزی کار کنیم و برگردیم اما خبر نداشتیم که قرار است بدبخت شویم.

درباره حادثه بگویید. چه اتفاقی برای همسرتان رخ داد؟

ما در مریوان زندگی می کنیم و همسایه رویه رویی ما مردی به اسم گوران بود. او و همسرش در خانه ای ۳ طبقه زندگی می کردند و همسر من همسر گوران را می شناخت. ۲ روز قبل از حادثه، همسر گوران مریض شده و از حال رفته بود. آن روز اگر شلیبر به دانش نمی رسید معلوم نبود چه بلایی به سرش می آمد. شلیبر گواهی نامه داشت و برای همین همسر گوران را سوار پراید من کرد و به بیمارستان برد. حتی همه هزینه های بیمارستان را هم خودش پرداخت کرده بود. ۴ روز از این ماجرا گذشته بود که آن اتفاق افتاد. پسرم می گوید که آنها در خانه خواب بودند که زنگ در به صدا درآمد. ساعت حدود یک و نیم بامداد بود. پشت در، گوران بود. او به شلیبر گفت که همسرش دوباره مریض شده و از هوش رفته است. بعد خواست به کمکش بیاید اما شلیبر به او گفت که دیروقت است و او باید به اورژانس زنگ بزند. (همسر شلیبر با بغض ادامه می دهد) گوران رفت اما دوباره برگشت. این بار گریه و التماس می کرد که حال همسرش بد است. شلیبر که نگران شده بود قبول کرد که به خانه آنها برود اما از پیسرم خواست که او هم بیاید. پسرم می گوید که آنها به سمت خانه

گروه حوادث - «همسر جانم را داد اما اجازه نداد که گوران به او دست درازی کند. او درست مقابل چشمان دختر و پسرمان از پنجره طبقه دوم به کوچه سقوط کرد و جان باخت و حالا تنها خواسته ما اعدام هر چه زودتر کسی است که زندگی ما را نابود کرد.»

اینها چکیده حرف های سلام شهیدی، همسر شلیبر رسولی است؛ شیرزنی مریوانی که هنگام فرار از دست مرد شیطان صفت از پنجره طبقه دوم به پایین سقوط کرد و جانم را از دست داد. همسر شلیبر با گذشت چند روز از حادثه از جزئیات آن شش شوم می گوید و اتفاقی که نه تنها مریوان که همه کشور را در شوک فرو برد.

از روز حادثه بگویید. چطور در جریان اتفاقی که برای همسرتان رخ داد قرار گرفتید؟

من از ۲ روز قبل از حادثه برای کار به عراق رفته بودم. صبح همان روزی که همسر از پنجره خانه همسایه مان به پایین سقوط کرد، بیدار شده بودم برای نماز. تا زود و وضو گرفته بودم که برادرزعم گفت باید برگردیم مریوان. تعجب کردم و گفتم چی شده؟ که گفت شلیبر افتاده و پایش شکسته. همان لحظه فهمیدم که اتفاق تلخی رخ داده و قشمش دادم که راستش را بگوید. پس از آن بود که ماجرا را برام تعریف کرد و دنیاروی سرم خراب شد.

در عراق چه کاری انجام می دادید؟

شغلم کارهای ساختمانی و کچ کاری است. خیلی از همشهری هایم که کارگر فصلی هستند برای کار به عراق می روند اما من به خاطر همسر و فرزندانم علاقه ای به رفتن به عراق نداشتم. در این سال ها هم فقط یکی دویار

پدری به ۲ دخترش قرص برنج خوراند

تربسیدم و قرص را نخوردم اما مایسا آن را خورد و یکبار ه حالش بد شد. با اصرار من پدرم او را به یک درمانگاه برد ولی پزشکان متوجه ماجرا نشدند و خواهرم پس از تزریق یک سرم تزخیص شد. اما نیمه شب بار دیگر حالش بد شد. مایسا حتی نمی توانست به خوبی نفس بکشد. من با گریه از پدرم خواستم او را به بیمارستان برساند. اما خواهرم در بیمارستان فوت شد. به دنبال اظهارات این دختر پدری تحت بازجویی قرار گرفت و منکر خوراندن قرص برنج به دو دخترش شد.

وی گفت: هیچ پدر سنگدلی حاضر به کشتن دخترش نمی شود چطور ممکن است من دست به چنین جنایتی بزنم. من اتهام را قبول نسنارم و دختر بزرگم به دروغ چنین حرفی را مطرح کرده است.

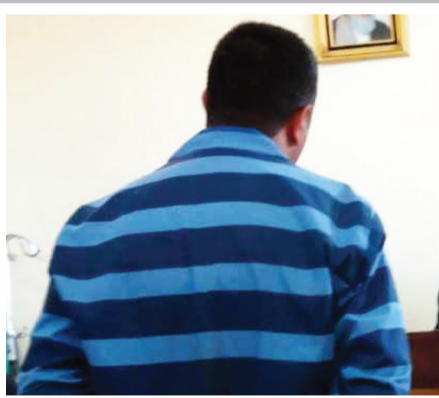
ماموران پلیس در ادامه تحقیقات به پرس و جواز همسر سابق وی پرداختند.

مادر قربانی گفت: من شک ندارم شوهر سابقم با خوراندن قرص دخترم را کشته و قصد داشته هر دو دخترم را سر به نیست کند. شوهرم آن شب از لحظه لحظه به هم خوردن حال دخترم و جان دادن او و انتقالش به بیمارستان فیلم گرفته و برای من ارسال کرده

گروه حوادث - مرد جوان که متهم است با خوراندن قرص برنج به ۲ دخترش مرگ تلخ دختر نوجوانش را رقم زده در دادگاه کفیری یک استان تهران محاکمه می شود. نیمه شب دوم اردیبهشت ماه سال ۱۴۰۰ یککر نیمه جان دختر ۱۴ ساله ای به نام مایسا به بیمارستانی در منطقه پردیس تهران منتقل شد. شواهد نشان می داد دختر نوجوان مسموم شده است. تلاش پزشکان برای نجات جان وی آغاز شد اما ساعتی بعد دختر نوجوان روی تخت بیمارستان تسلیم مرگ شد. با مرگ مشکوک این دختر، جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و کارشناسان پزشکی قانونی علت مرگ را مسمومیت با قرص برنج اعلام کردند.

در این میان خواهر مایسا به نام مانیلا اظهارات وحشتناکی را مطرح کرد.

وی در حالی که به شدت اشک می ریخت گفت: پدر و مادرم چند سال است که از هم جدا شده اند و من و خواهرم با پدرمان زندگی می کنیم. پدرمان مرد مسخست گیری است و مدام از من و خواهرم ایراد می گرفت. او حتی اجازه نمی داد به تنهایی از خانه بیرون برویم. دیشب پدرم وقتی به خانه آمد با خودش ۲ قرص آورده بود که آنها را به من و خواهرم داد و از ما خواست آنها را بخوریم. من



بود. او چه انگیزه ای برای این کار داشته؟ او قطعاً با این کار قصد داشته تا خودش را بیگناه نشان دهد و از دام قانون بگریزد.

این زن در حالی که اشک می ریخت ادامه داد: آن روز من با دخترم تلفنی صحبت کردم. حال او خوب بود و هیچ مشکلی نداشت. شوهرم با خوراندن قرص و او را کشته است من برایش اشد مجازات می خواهم.

در حالی که مرد جوان منکر اتهامش بود برای وی کفیرخواست صادر و پرونده اش به شعبه دهم دادگاه کفیری یک استان تهران فرستاده شد تا به زودی در دادگاه از خود دفاع کند.

میثم فیل همدست یا کوزاها در آستانه اعدام

دیگر مان عادل برای صرف شام به یک رستوران رفتیم.

وی ادامه داد: ما در حال خوردن غذا بودیم که میثم فیل به آنجا آمد و به بهانه آشپزی با برادرهای یا کوزا ما را به جنگلهای جعفر آباد دعوت کرد.

مادعوت او را نپذیرفتیم اما او با سماجت ما را مجبور کرد تا همراهش برویم. تا با دو برادر آشپزی کنیم. ما سوار پراید سفید در حرکت بودیم که یکبار میثم فیل و دوستان راهمان را بستند. آنها فریاد می کشیدند باید بخاطر اشتباهی که مرتکب شده ایم از آنها عذر خواهی کنیم. ما می خواستیم فرار کنیم که میثم اسلحه دولول ساچمه ای را به سمت ما گرفت و تیری به سر امین شلیک کرد. او تیرهای بعدی را به دست و پا و شکم امین زد و آنها سوار یک خودرو گرین شدند. ما بلافاصله دوستان را به بیمارستان رساندیم اما کار از کار گذشته بود.

به دنبال اظهارات پسر جوان میثم نیز تحت بازجویی قرار گرفت و به شلیک با اسلحه شکاری اعتراف کرد. چهار متهم دیگر نیز به شرکت در نزاع دسته جمعی اعتراف کردند. به این ترتیب پرونده او باش اسلامشهر با صدور کفیرخواست شعبه ۱۱ دادگاه کفیری یک استان تهران فرستاده شد تا به زودی به جرم آنها رسیدگی شود. میثم به اتهام قتل و همدستانش به اتهام شرکت در نزاع منجر به قتل در دادگاه محاکمه می شوند. این در حالی است که اولیای دم برای آنها حکم قصاص خواسته اند.

گروه حوادث - درگیری او باش اسلامشهر در اینستاگرام با جنایت پایان یافت و پسر جوان هدف گلوله قرار گرفته و در خون غلتید.

رسیدگی به این پرونده از شامگاه ۲۱ مردادماه سال ۹۷ به دنبال درگیری او باش در منطقه چهار دانگه اسلامشهر آغاز شد. در آن درگیری که پسر ۲۲ ساله ای به نام امین از ناحیه سر دو دست پا و شکم هدف گلوله ساچمه قرار گرفته بود به بیمارستان شهدای یافت آباد منتقل شد. اما ساعتی بعد به خاطر شدت جراحات جان سپرد.

دو نفر از دوستان وی به نام های پویان و عادل که وی را به بیمارستان منتقل کرده بودند گفتند دوستانش در درگیری با یکی از او باش بد نام به نام میثم معروف به فیل کشته شده است. به دنبال اظهارات دو پسر جوان ماموران به تحقیق پرداختند و چهار متهم را که در درگیری دسته جمعی حضور داشتند بازداشت کردند. میثم نیز ردیابی و بازداشت شد. پویان که دوست قربانی و شاهد جنایت بود در تشریح جزئیات ماجرا گفت: من و امین سالها با هم دوست بودیم. مدتی بود من و امین با دو برادر که به یا کوزا معروف هستند به مشکل خورده و اختلاف پیدا کرده بودیم. آخرین بار من و امین در فضای اینستاگرام استوری گذاشتیم و از آنها دعوت کردیم تا در میدان نماز شهر یار حاضر شوند. آنها تماس گرفتند و قرار نیاوردند. به همین خاطر من به همراه امین و دوست

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن: ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

تعمیرات

سرد آسا کیش

تعمیرات کلیه سیستم های برودتی

۰۹۱۷۳۶۴۶۸۶۴

۰۹۳۴۷۶۹۷۸۴۴

۰۹۳۳۷۲۱۶۸۶۴

اینستاگرام: sard.asa.kish

صنایع چوب

صنایع چوب حلاج کیش

کلیه سفارشات

MDF، چوبی

دکوراسیون غرفه و منزل

تلفن ۷۶۹۸۲۵۲

خشکشویی

خشکشویی طلوع در اسرع وقت با

تضمین و کیفیت عالی همراه با پیک

تحویل آدرس: مجتمع خدماتی طلوع،

روبروی برجهای طلایی و بازار کوروش

۰۹۱۷۶۱۳۷۵۴۳ - ۰۹۳۴۷۶۹۷۵۸۸

با مدیریت عسکری

خدمات

خدمات برق

انجام کلیه امور برق ساختمان و

پروژه های شما - کلی و جزئی

۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی

جزئی و کلی مجتمع های اداری

مسکونی - خدماتی - تجاری

رضایی ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴

حمل بار

حمل و جابجایی کالا

با ۶ چرخ در سطح جزیره

۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

جوشکاری

جوشکاری فتح فاز ۶ صنعتی (سافاری)

قطعه ۷۵ شماره تماس:

۰۹۱۷۹۳۰۷۵۸۸ - ۰۹۳۴۷۶۸۵۴۲۰

حمید رفعتی

آب معدنی

کیش نوش

تولید و توزیع آب معدنی در جزیره

۴۴۴۷۳۴۲۱ - ۴۴۴۷۳۴۲۲

استخدام

به یک نفر آقا متاهل بابت سرایداری وارد

به کار در امور منزل دارای مکان نیازمندیم.

تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۴۶

۰۹۳۴۷۶۹۱۳۱۴ آقای عشقی

نیروی خدماتی (خانم، آقا) باسواد

جهت کار در یک شرکت نیازمندیم.

متقاضیان می توانند به نشانی ویلاهای

مروارید بلوک b۳ طبقه سوم واحد

۷۱۵ مراجعه کنند.

شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

استخدام منشی دفتر

آشنا به کامپیوتر و امور اداری جهت کار

در یک شرکت استخدام می شود.

آدرس مراجعه: ویلاهای اداری مروارید

جنب بازارچه حافظ پلاک ۷۱۵

روزنامه اقتصاد کیش

۴۴۴۲۴۹۶۹

۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش

گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

اقتصاد کیش